

## انعکاس مسئله توافق هسته‌ای در روزنامه‌های شرق و کیهان

از شهریور تا اسفند ۱۳۹۲

ندا علیزاده تاج‌الدین<sup>۱</sup>  
غلامرضا خدیوی رفوگر<sup>۲</sup>

### چکیده

این پژوهش در پی بررسی و مقایسه‌ی نحوه‌ی بازتاب اخبار و مطالب توافق هسته‌ای ژنو در روزنامه‌های شرق و کیهان از شهریور تا اسفند ۱۳۹۲ است. اهمیت این بازه زمانی از این جهت است که هم‌زمان با روی کار آمدن دولت یازدهم، دور جدیدی از مذاکرات و تعامل با کشورهای ۵+۱ آغاز شد. روش به کار گرفته شده در این تحقیق، «تحلیل محتوای کمی» و واحد تحلیل نیز «مضمون» است که با استفاده از روش نمونه‌گیری سیستماتیک، هفت‌ماه آماری و در مجموع ۵۳۰ مطلب به‌عنوان نمونه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در تحلیل محتوای مطالب روزنامه‌ها، از نظریه‌های برجسته‌سازی و انگاره‌سازی به‌عنوان مبانی نظری تحقیق بهره گرفته شد؛ همچنین ضریب پایایی تحقیق نیز بر اساس آزمون کای اسکوتر محاسبه شد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در این مدت، تفاوت معناداری بین دیدگاه روزنامه‌های شرق و کیهان وجود دارد. به این ترتیب که «شرق» با دیدی واقع‌گرایانه‌تر به انعکاس مطالب پرداخته و جهت‌گیری همراه با تأیید به انجام مذاکرات و نتایج حاصله دارد؛ در مقابل «کیهان» رویکردی انتقادی و ایدئولوژیکی را در پیش گرفته است.

**کلیدواژه‌ها:** توافق ژنو، گروه ۵+۱، انرژی هسته‌ای، معاهده ان‌پی‌تی، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، رسانه.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قوچان.

۲. دکترای جامعه‌شناسی، استادیار و عضو هیئت علمی گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد، نویسنده مسئول:

Khadivi0086@mshdiau.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۵/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۲۱

## A Comparative Study of the Reflection of Geneva Nuclear Deal in Sharq and Keyhan Newspapers from November 2013 to March 2014

Gholamreza Khadivi Rofogari<sup>1</sup>

Assistant Professor in Sociology, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Mashhad, Iran

Neda Alizadeh Tajjadin

MA in Social Communications, Islamic Azad University, Quchan Branch, Quchan, Iran

### Abstract

This study tries to assess and compare the reflection of news and articles in *Sharq* and *Keyhan* newspapers on the Geneva Nuclear deal, from September 2013 to March 2014. The importance of the period is that after the election of Rouhani as president, negotiations with the foreign countries called 5+1 countries started. The method used in this research is "quantitative content analysis", and the analysis of the "content" is carried out by systematic sampling of a total of 530 articles published over a period of seven months. Highlighting ideas and image building have been used as the theoretical framework for the research. The reliability of the study is calculated by the K2 test. The result of the data analysis in this study indicates that there is a significant difference between the views of the *Sharq* and the *Keyhan* newspapers. *The Sharq* reflected a more realistic view in its news pieces and comments in which negotiations and the results are accepted. On the other hand, the *Keyhan* followed a critical and ideological point of view, espousing a pessimist approach towards negotiations.

**Keywords:** Iran, Geneva negotiation, nuclear energy, NPT, The IAEA, the Media.

### ۱- مقدمه

انرژی هسته‌ای از عمده‌ترین مباحث علوم و تکنولوژی هسته‌ای است و نقش عمده‌ای را در تأمین انرژی کشورهای مختلف به ویژه کشورهای پیشرفته دارد. در واقع دستیابی به فناوری هسته‌ای و توان استفاده از اتم در زمینه‌های مختلف، یکی از شاخه‌های علمی و فنی است. اگر کشوری به انرژی هسته‌ای دست نیابد، پس از چند دهه که انرژی‌های دیگر دوران خود را سپری کنند، در آینده با بحران انرژی روبه‌رو خواهد شد. ایران نیز بیش از سه دهه است که تحقیقات متنوعی را در زمینه‌های مختلف علوم و

<sup>1</sup> Corresponding author. Email: Khadivi0086@mshdiau.ac.ir

تکنولوژی هسته‌ای انجام داده؛ اما در این بین تبعیض‌های هسته‌ای یکی از بی‌عدالتی‌ها در زمینه دانش و فناوری است. درحقیقت بیشتر دولت‌های دارای این فناوری، آن را در انحصار خود می‌دانند که بهانه‌ی اصلی آنها در این مورد، امکان ساخت بمب هسته‌ای از طریق دستیابی به فناوری هسته‌ای است. آنها اقدام کشوری چون ایران را که صادفانه و تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی<sup>۱</sup> در پی استفاده‌ی علمی و صلح‌آمیز از این انرژی است، نادرست می‌دانند و به‌شدت به‌دنبال جلوگیری از آن هستند.

بنابراین «پرونده‌ی هسته‌ای ایران»<sup>۲</sup> را می‌توان یکی از پرونده‌های پیچیده کشور در صحنه بین‌المللی قلمداد کرد که دارای ابعاد گوناگونی است. فشار کشورهای بزرگ غربی، توطئه صهیونیسم بین‌الملل، نقش سازمان‌های بین‌المللی، تحریک برخی از کشورهای منطقه از یک‌طرف و امنیت ملی، توسعه کشور، حفظ دستاورد دانشمندان جوان ایرانی در زمینه این فناوری و اختلاف نظر نخبگان از سوی دیگر، شرایط فوق‌العاده‌ای را برای این پرونده به‌وجود آورده است. (Ruhani, 2013). البته از ۱۲ مرداد ۹۲ که دولت یازدهم به ریاست جمهوری حسن روحانی به‌طور رسمی سکان هدایت کشور را به‌دست گرفت، دور جدیدی از اتفاقات درباره‌ی انرژی هسته‌ای رقم خورد تا بدین ترتیب فصلی جدید از روابط و رویکردها درباره‌ی این پرونده‌ی تاریخی ایران در جامعه‌ی بین‌الملل گشوده شود. در واقع پرونده‌ی هسته‌ای ایران و توافق ژنو به‌ویژه در یک سال گذشته به‌عنوان مسئله‌ی حساس روز ایران و دنیا محسوب می‌شود که نظرات مخالف و موافق زیادی را در کشور در واکنش به انجام مذاکره توسط تیم مذاکره کننده و روند پرونده‌ی ایران به‌دنبال داشته است.

این بین رسانه‌ها<sup>۳</sup> و به‌ویژه مطبوعات نیز با نوع پوشش و دریچه‌ی نگاهشان به این گونه مسائل و روند مذاکرات هسته‌ای ژنو، نقش تعیین‌کننده‌ای در بیان و تحلیل مسائل و همچنین جریان‌سازی در افکار عمومی<sup>۴</sup> و گاه بروز واکنش‌های مسئولان و تیم مذاکره کننده و ارتباط بین دولت‌ها داشته‌اند. «چراکه رسانه‌های جمعی یکی از منابع قدرت و ابزاری برای کنترل، مدیریت و نوآوری در جامعه هستند که می‌توانند جانشینی برای زور یا سایر منابع باشند. همچنین رسانه‌ها موقعیت یا عرصه‌ای فراهم می‌آورند که روزه‌روز بیشتر مسائل زندگی عموم در آن متجلی می‌شود، چه در سطح ملی و چه در عرصه‌ی

۱. International Atomic Energy Agency

۲. Iran's Nuclear Case

۳. Media

۴. Public Opinion

بین‌المللی.» (Mc Quail, 2003, p.21-22). با توجه به مسائل مطرح شده و جایگاه حساس مسئله‌ی هسته‌ای ایران در نظام بین‌الملل و پرداختن رسانه‌های گوناگون داخلی و خارجی به آن از ابعاد مختلف، لازم است تا نگاهی به رویکرد دو روزنامه‌ی شرق و کیهان به این مهم داشته باشیم. چراکه این دو روزنامه (شرق و کیهان) به‌عنوان دو طیف افراطی اصلاح‌طلب<sup>۱</sup> و اصول‌گرا<sup>۲</sup> که هر یک نماینده‌ی تفکر و گرایش خاصی هستند، حضور پررنگی در انعکاس وقایع و مسائل مربوط به پرونده‌ی ایران و توافق هسته‌ای ژنو و بحث‌های حاشیه‌ای آن با رویکردهای خاص خود دارند.

در واقع معیار تصمیم‌گیری برای انتخاب این روزنامه‌ها بر مبنای گرایش سیاسی دو روزنامه بوده است. همچنین انتخاب این دو روزنامه در این بازه زمانی به این دلیل بوده است که نه تنها در این تاریخ هر دو روزنامه منظم و سراسری چاپ و منتشر شده، بلکه مصادف با آغاز به کار دولت حسن روحانی موسوم به «دولت یازدهم» شده‌اند؛ چراکه با آغاز به کار دولت یازدهم، فصل جدیدی از تصمیمات و عملکردها در حوزه‌ی پرونده‌ی هسته‌ای ایران و انجام مذاکرات با طرف‌های درگیر، باز شد. در این دوره، شواهد بیانگر این نکته است که تا حدودی تغییر رویکردی در مواجهه با اقدامات و برخوردهای کشورهای ۵+۱، شورای امنیت و سازمان ملل و بیشتر با هدف انجام مذاکره، رسیدن به توافق جامع، لغو تحریم‌ها و گسترش روابط بین‌الملل با ابرقدرت‌ها به چشم می‌خورد. از این رو واکنش‌های رسانه‌ای دو روزنامه‌ای که متعلق به دو طیف متفاوت سیاسی هستند، مورد توجه قرار گرفت.

اهمیت پرداختن به این موضوع نیز به نقش حیاتی بازمی‌گردد که داشتن این فناوری در منافع ملی کشور ایفا می‌کند. چراکه این موضوع آنقدر اهمیت داشته که بارها منجر به تصویب قوانین ماده‌واحد در مجلس شورای اسلامی و صدور بیانیه‌های مختلف از طرف ایران و کشورهای جنبش عدم‌تعهد، سران گروه ۸، وزارت خارجه ایران، اعضای دائم شورای امنیت، آمریکا، شورای عالی امنیت ملی ایران و موافقتنامه‌ها و قطعنامه‌های مختلف شده است. به‌ویژه اینکه شاید این‌بین و در این مقایسه نکاتی از تضارب آرای رسانه‌ها و نحوه‌ی پرداختشان به این مسئله به دست آید که خود روشنگر راه و نکته‌ای جدید برای پیشبرد اهداف کشور باشد. غیر از این مسائل، تحقیقاتی از این دست حتی می‌توانند در

۱. reformist

۲. Fundamentalist

درازدت به تولید دانش نظری در حیطه‌ی فعالیت روزنامه‌نگاری نیز کمک کنند (Badiei, 2007, p.142).

از آنجایی که روزنامه‌ها به‌عنوان یکی از رسانه‌های مهم، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری افکار عمومی و بسیج آنها در سمت‌وسویی مشخص دارند و همچنین در ایران تا حدودی می‌توانند بر روند تصمیم‌گیری‌های مسئولان، نوع حرکت و برخورد آنها اثرگذار باشند، لازم و ضروری است تا با گرایش آنها در مسائل مختلف به‌ویژه بحث توافق هسته‌ای ژنو آشنا شویم. به‌ویژه اینکه انعکاس این اطلاعات در رسانه‌ها می‌تواند در موفقیت یا شکست این مسئله تاثیرگذار باشد، ضروری است که نوع بازتاب‌ها بررسی و مقایسه شود تا چشم‌انداز روشنی‌تر از رویکردها داشته باشیم. درنهایت هدف کلی و اصلی این تحقیق بررسی این پرسش است که روزنامه‌های شرق و کیهان چه گرایشی را در این زمینه و با چه هدفی دنبال می‌کنند و مدافع کدام دیدگاه هستند؟ البته شفاف‌سازی رویکرد رسانه‌ها برای رسیدن به اتحاد و تمرکز روی خواسته و منفعت ملی و جلوگیری از فراق‌کنی‌های رسانه‌ای و بروز اخلال در این زمینه هم هدف عملی است که به دنبال آن هستیم.

با این تفاسیر، در این تحقیق به دنبال بررسی بازتاب‌ها و نوع پرداخت این دو روزنامه به مسئله‌ی توافق هسته‌ای ژنو هستیم. بنابراین مسئله‌ی اصلی که به آن می‌پردازیم این است که آیا تفاوتی بین رویکرد این دو روزنامه در این زمینه وجود دارد یا خیر؟ و اگر این تفاوت به چشم می‌خورد، در چه حوزه‌ها و ابعاد محتوایی و صوری (قالب) بیشتر نمود دارد. به بیانی روشن‌تر سؤالاتی که به دنبال پاسخ‌دادن به آنها هستیم، از این قرار است: روزنامه‌های شرق و کیهان چگونه و با چه رویکردی به توافق هسته‌ای ژنو پرداخته‌اند؟ چقدر بین میزان مطالب اختصاص‌یافته به توافق هسته‌ای ژنو در روزنامه‌های کیهان و شرق تفاوت معناداری وجود دارد؟ چقدر بین قالب یا سبک نوشتاری (خبر، گزارش خبری، تفسیر، گفت‌وگو، یادداشت، سرمقاله و ترجمه) در انعکاس مطالب مربوط به توافق هسته‌ای ژنو تفاوت معناداری وجود دارد؟ چقدر بین ابعاد (سیاسی، اقتصادی، حقوقی و نظامی) مطالب مرتبط با توافق هسته‌ای ژنو در روزنامه‌های شرق و کیهان تفاوت معناداری وجود دارد؟ چقدر بین تعداد تیترهای یک مربوط به مسئله‌ی توافق هسته‌ای ژنو در روزنامه‌های کیهان و شرق، تفاوت معناداری وجود دارد؟ چقدر بین لحن مطالب (توجیه‌گرانه، ایدئولوژیک، واقع‌گرایانه، انتقادی، موافق و خنثی) مربوط به توافق هسته‌ای ژنو در روزنامه‌های کیهان و شرق تفاوت معناداری وجود دارد؟

## ۲- روش تحقیق، جمع‌آوری اطلاعات و متغیرهای پژوهش

در این تحقیق با استفاده از روش «تحلیل محتوای کمی»<sup>۱</sup> به مطالعه‌ی مقایسه‌ای اخبار و مطالب این دو روزنامه پرداخته شده است. سؤال اصلی این پژوهش این است که روزنامه‌های شرق و کیهان چگونه و با چه رویکردی به توافق هسته‌ای ژنو پرداخته‌اند؟ در این پژوهش از تکنیک مقوله‌ای و ارزیابی برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده و واحد تحلیل «مضمون»<sup>۲</sup> و واحد ثبت نیز «پاراگراف» تعیین شده است. جامعه‌ی آماری در نظر گرفته شده در پژوهش حاضر، شماره‌های منتشر شده در دو روزنامه‌ی کیهان و شرق در بازه زمانی شهریور تا اسفند سال ۱۳۹۲ است. برای نمونه‌گیری این پژوهش از روش «منظم و سیستماتیک»<sup>۳</sup> استفاده شده است. بر این اساس، برای به دست آوردن نمونه‌ی آماری از بین ۱۶۹ شماره‌ی چاپ شده در بازه تعیین شده، ۴۲ شماره از هریک از دو روزنامه‌ی شرق و کیهان انتخاب و مطالعه شد. به این ترتیب که ۱۶۹ شماره‌ی روزنامه‌ی شرق و کیهان را به ترتیب در یک جدول قرار داده و به هر شماره‌ی روزنامه عددی داده و سپس هر چهار شماره یک‌بار، به عنوان نمونه انتخاب شد.

روشی که برای جمع‌آوری اطلاعات برای این پژوهش به کار گرفته شده، بدین ترتیب است که ابتدا بر اساس روش نمونه‌گیری، جامعه‌ی نمونه و پاراگراف‌های مرتبط با مسئله‌ی پژوهش انتخاب شدند. سپس برای تحلیل داده‌ها، مقولات مربوطه یا همان مضامین مورد نظر تعیین و از روی آنها، مطالب دسته‌بندی و کدگذاری شد. در مرحله‌ی بعد به هریک از اطلاعات گردآوری شده، کد مربوطه اختصاص یافت؛ بدین ترتیب، ۵۳۰ مطلب مورد نظر کدگذاری و در کامپیوتر ثبت شدند و با استفاده از آزمون‌های مقایسه‌ای مانند آزمون مقایسه‌ی میانگین و آزمون تفاوت‌ها برای مقوله‌های اسمی، به تحلیل نهایی دست یافت. در این تحقیق، نوع رویکرد روزنامه‌های شرق و کیهان متغیر مستقل و محتوا و سبک مطلب، تیر یک، ابعاد موضوع، مقدار کمی و نحوه‌ی انعکاس اخبار و مطالب مربوط به مسئله‌ی هسته‌ای ایران و توافق هسته‌ای ژنو در این دو روزنامه در بازه زمانی مشخص شده نیز متغیر وابسته در نظر گرفته شده است.

۱. Quantitative Content Analysis

۲. Contents

۳. Systematically

## ۳- تعریف عملیاتی مفاهیم

## ۳-۱- محتوای مطالب

تعریف نظری: محتوای مطالب منعکس شده در روزنامه‌های شرق و کیهان درباره‌ی پرونده‌ی هسته‌ای ایران در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، حقوقی، نظامی، اجتماعی و... موضوعات مربوطه را شکل می‌دهند. برای سنجش این متغیر از چهار زیرمفوله‌ی نظامی، دفاعی، جنگ، اقتصادی و تجاری، سیاسی و روابط بین‌الملل و حقوقی استفاده می‌شود.

## ۳-۲- شیوه‌ی ارائه‌ی مطالب (سبک مطالب)

تعریف نظری: شیوه‌ی ارائه‌ی مطالب را در یکی از فرم‌های رایج روزنامه‌نگاری، سبک مطالب می‌گویند. مطالب در این پژوهش در هفت سبک خبر، گزارش خبری، تفسیر، یادداشت، گفتگو (مصاحبه)، ترجمه، سرمقاله و همچنین بررسی تیترو در قالب‌های تیترو در صفحه نخست شامل تیترو یک، تیترو عکس، تیترو یک و تیترو عکس مشترک، سایر تیتروهای صفحه نخست و مجموع تیتروها در صفحه نخست.

## ۳-۳- لحن مطالب

تعریف نظری: منظور از لحن مطالب نوع بیان رویدادها و مطالب مربوط به پرونده‌ی هسته‌ای ایران است.

تعریف عملی: این متغیر با گزینه‌های زیر سنجیده می‌شود:

انتقادی: منظور لحن و موضع انتقادی و مخالف نویسندگان روزنامه در مورد رویدادهای مرتبط با پرونده‌ی هسته‌ای ایران است.

توجیه‌گرایانه: مطالبی که به توجیه رویدادها و وقایع مربوط به پرونده‌ی هسته‌ای ایران می‌پردازد و سعی دارد تا به مطالب منتشر شده با رویکرد خود مشروعیت ببخشد.

ایدئولوژیک: مطالبی که به پیش‌فرض‌های اعتقادی مربوط می‌شود و در آن از واژه‌های ایدئولوژیکی چون دشمن بزرگ، شیطان بزرگ، جنایتکار، خون‌خوار، صداقت، اعتماد و مواردی از این دست استفاده شده است.

واقع‌گرایانه: مطالبی که در آنها سعی شده بدون پیش‌داوری، صرفاً وقایع را گزارش دهند و با واقعیت‌ها همخوانی دارند.

افشاگرانه: مطالبی که به افشاگری و ارائه اطلاعات درباره‌ی رویدادها، تصمیمات و اهداف مرتبط با پرونده‌ی هسته‌ای ایران صرف‌نظر از معتبر یا نامعتبر بودن منبع می‌پردازد.

موافق: مطالبی که به نوعی موافق رویدادها، تصمیمات و اهداف مرتبط با پرونده‌ی هسته‌ای ایران هستند.

خنثی: مطالبی که هیچ جهت‌گیری و لحن خاصی در ارائه‌ی آنها مشاهده نمی‌شود و در واقع می‌توان گفت یک خبر و اطلاع‌رسانی صرف به‌شمار می‌رود.

#### ۴- پیشینه‌ی تحقیق

از جمله مقاله‌ها و پژوهش‌هایی که مرتبط با موضوع این بحث است، می‌توان به چند نمونه گریز زد؛ یکی از این مقاله‌ها، پژوهشی با عنوان «مقایسه‌ی گفتمان خبری سایت‌های دو شبکه‌ی فارسی‌زبان بی‌بی‌سی و صدای آمریکا در مورد مذاکرات ایران و ۵+۱» است که محمد مهدی طائب (۲۰۰۴)، آن را در بازه زمانی یک هفته قبل، تا یک هفته بعد از توافق سوم آذرماه ۹۲ مصادف با ۲۴ نوامبر ۲۰۱۳ بررسی کرده است. مسئله‌ی اصلی این پژوهش مقایسه‌ی گفتمان خبری این سایت‌ها در مورد مذاکرات ایران و ۵+۱ در بازه زمانی ۳ ژنو ۲۰۱۳ است. بر اساس نتایج به‌دست آمده در این پژوهش، سیاستمداران اروپایی و آمریکایی سعی در خطرناک‌نشان‌دادن دستیابی و استفاده از انرژی هسته‌ای ایران دارند و با تحت‌فشار بودن از طریق لابی‌سهیونیستی با استفاده از اخباری مشابه و جهت‌دهی‌های همگرا، سعی می‌کنند گفت‌وگوها را بر هم زنند. همچنین پیگیری سناریوهای اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی نیز در ابعاد گوناگون خود قابل مشاهده است.

همچنین مریم کلانتری ندوشن (۲۰۰۸) به «بررسی فنون جنگ روانی وب‌سایت رادیو فردا (تحلیل محتوای اخبار پرونده‌ی هسته‌ای ایران در زمان تصویب دو قطعنامه‌ی ۱۷۳۷ و ۱۷۴۷)» پرداخته است. در تحقیق حاضر تلاش شده ضمن شناخت ماهیت و سازوکار جنگ روانی، تکنیک‌ها و فنون مختلف آن مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد. این تحقیق که به روش تحلیل محتوا انجام شده، دارای دو سؤال است؛ یکی اینکه رادیو فردا در اخبار مربوط به پرونده‌ی هسته‌ای ایران در زمان تصویب دو قطعنامه‌ی ۱۷۳۷ و ۱۷۴۷ از کدام تکنیک‌های تبلیغاتی و جنگ روانی بیشتر استفاده کرده است؟ دوم اینکه میزان استفاده‌ی رادیو فردا از تکنیک‌های جنگ روانی قبل و بعد از تصویب قطعنامه‌ها چه فرقی کرده است؟ نتیجه این شد که وب‌سایت رادیو فردا در زمان پرونده‌ی هسته‌ای ایران بیشتر از تکنیک‌های گواهی، تکرار و برجسب‌زنی استفاده کرده است. همچنین میزان استفاده‌ی رادیو فردا پیش از تصویب قطعنامه‌ها از تکنیک توسل به ترس، و بعد از تصویب قطعنامه‌ها تکنیک گواهی بیشتر بوده است.

علی احمدی (۲۰۰۹) نیز در پژوهشی با عنوان «بازتاب اخبار فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در شبکه‌های خبری بین‌المللی (تحلیل محتوای اخبار شبکه‌های خبری بی‌بی‌سی، سی‌ان‌ان، فاکس



نیوز، فرانس ۲۴، الجزیره و العربیه)، به بررسی و مقایسه‌ی نحوه‌ی بازتاب اخبار فعالیت‌های هسته‌ای ایران با روش تحلیل محتوا در این شش شبکه‌ی خبری بین‌المللی در سال ۱۳۸۶ پرداخته است. برای تحلیل هرچه بهتر موضوع از نظریه‌های دروازه‌بانی، برجسته‌سازی و چارچوب‌سازی به‌عنوان مبانی تحلیل نظری تحقیق استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که شبکه‌ی الجزیره بیش از سایر شبکه‌های خبری، برنامه‌ی هسته‌ای ایران را پوشش داده و سبک مورد توجه شبکه‌ها بیشتر مصاحبه‌ی خبری و ارتباط زنده بوده است. بار غالب در شبکه‌ها القایی-اقتناعی بوده و کمتر از لحن تهدیدآمیز در مطالب خود استفاده کرده‌اند و این در حالی است که در صورت تهدید بیشتر بر تحریم و اعمال فشار تأکید شده است. این شبکه همچنین بیشتر چارچوب نظامی و تهدیدآمیز را برای فعالیت‌های هسته‌ای ایران در نظر گرفته و هدف ایران را دستیابی به سلاح هسته‌ای عنوان کرده‌اند. در کل باید گفت که شبکه‌ی الجزیره در مطالب خود بیشتر از سایر شبکه‌ها از برنامه‌ی هسته‌ای ایران حمایت کرده است؛ درحالی‌که العربیه رقیب آن، چندان تمایلی به این برنامه ندارد.

پژوهش بعدی متعلق به حسن گودرزی (۲۰۱۰) است که با عنوان «مقایسه‌ی گفتمان خبری، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا) و سایت بی‌بی‌سی فارسی در مورد اخبار هسته‌ای ایران (با تأکید بر مسئله‌ی ساخت تأسیسات هسته‌ای فردو قم) ارائه شده است. در این تحقیق متون خبری دو سایت خبری بی‌بی‌سی و ایرنا در مورد مسائل هسته‌ای ایران با تأکید بر مسئله‌ی ساخت تأسیسات هسته‌ای فردو مورد بررسی قرار گرفته است و ضمن مقایسه‌ی گفتمان خبری این دو سایت، انگاره‌های ساخته‌شده و شیوه‌های روانی استفاده‌شده توسط این رسانه‌ها مشخص شده است. نظریه‌ها و مفاهیم مورد توجه در این تحقیق، جنگ روانی، پروپاگاندا، انگاره‌سازی، برجسته‌سازی و دروازه‌بانی خبر است. نتایج این پژوهش هم بر پایه‌ی سه وجه، مقوله‌های گفتمانی، انگاره‌های ساخته‌شده و گفتمان تبلیغاتی و روانی این دو رسانه استنتاج شده که بیانگر آن است که ایرنا و بی‌بی‌سی از منظر گفتمانی با یکدیگر در تعارض کامل قرار دارند. گفتمان رسانه‌ای بی‌بی‌سی، شانتاژ و سپهر رسانه‌ای و گفتمان ایرنا، شفاف‌سازی رسانه‌ای بوده است. گفتمان روانی استفاده‌شده توسط بی‌بی‌سی، ارباب، بحران‌آفرینی و مخدوش‌سازی، و گفتمان روانی استفاده‌شده توسط ایرنا، گفتمان شفاف‌سازی هسته‌ای، نمایش وحدت ملی و اقتدار بین‌المللی است.

«برسازی امنیتی برنامه‌ی هستی ایران» عنوان مقاله‌ای دیگر است که علی امیدی و سعیده مرادی‌فر (۲۰۱۴) آن را به رشته‌ی تحریر درآورده‌اند. در این مقاله به تبیین و بررسی کنش کلامی رسانه‌های غربی

و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در امنیتی ساختن و بزرگ‌نمایی برنامه‌ی هسته‌ای ایران طی ۱۰ سال گذشته به تحلیل محتوای سرمقاله‌های روزنامه‌های واشنگتن پست، گاردین، وال استریت ژورنال، دیلی تلگراف و اسناد صادره توسط آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای پرداخته است. فرضیه‌ی این پژوهش بر اساس مکتب کپنهاگ<sup>۱</sup> تأیید شده است؛ یعنی رسانه‌های غربی و آژانس در برساختگی بار امنیتی برنامه‌ی هسته‌ای ایران نقش مؤثری داشته‌اند و با انتخاب واژگان حاوی بار منفی، به‌عنوان ابزاری برای امنیتی کردن برنامه‌ی هسته‌ای ایران عمل کرده‌اند.

پژوهش‌های دیگری نیز در این زمینه انجام شده است که می‌توان به‌طور مختصر به آنها اشاره کرد. مانند؛ «تحلیل بخش‌های خبری شامگاهی شبکه‌ی العربیه در ارتباط با پرونده‌ی هسته‌ای ایران در سه ماهه‌ی آخر ۲۰۰۹» اثر مصطفی فلاحمیده (۲۰۱۰)، «مطالعه‌ی تطبیقی شیوه‌ی بازنمایی کنشگران ایرانی و غربی در پرونده‌ی هسته‌ای ایران در رسانه‌های بین‌المللی (الگوی ۲۰۰۸ ون لیون)» کاری از فردوس آفاگل‌زاده، رضا خیرآبادی و ارسلان گلفام (۲۰۱۳)، «پوشش خبری برنامه‌ی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در سایت‌های خبری آلمان (تحلیل محتوای سایت‌های خبری آلمانی زودویچه، اسپیکل و فکوس)» به کوشش زاشا عبدالکریم الصادق (۲۰۱۳)، تحلیل محتوای چهار روزنامه‌ی کیهان، جوان، شرق و اعتماد درباره‌ی مذاکرات هسته‌ای. نوشته‌ی سارا محسنی (۲۰۱۵)، «برجسته‌سازی اخبار انرژی هسته‌ای ایران در بخش فارسی سایت‌های بی‌بی‌سی و صدای آمریکا طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵» از عبدالله گیویان و بهنام رضاقلی‌زاده (بی‌تا)، «تحلیل گفتمان سرمقاله‌های روزنامه‌های برجسته‌ی آمریکا درباره‌ی برنامه‌ی هسته‌ای ایران.» ترجمه‌ی سید جمال‌الدین اکبرزاده؛ نوشته‌ی فؤاد ایزدی و حکیمه سقای بی‌ریا. (۲۰۰۷)، «بررسی بازنمایی انرژی هسته‌ای ایران در روزنامه‌های نیویورک تایمز و کیهان انترنشنال بر مبنای نظریه‌ی تحلیل انتقادی کلام» کاری از شاهو قادرخانزاده (۲۰۰۹)، «انعکاس مسئله‌ی هسته‌ای ایران در بی‌بی‌سی و سی‌ان‌ان طی سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ میلادی» نوشته‌ی جمال مرادیان (۲۰۱۱)، «تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای گفتمان خبرهای روزنامه‌های غربی و روزنامه‌های انگلیسی چاپ ایران» از صدیقه انصاری بارده (۲۰۱۳)، «بررسی مباحث انتقادی برنامه‌ی هسته‌ای ایران در روزنامه‌ها» نوشته‌ی زهره سیوندی‌نسب (۲۰۱۵)، «بررسی انتقادی مقایسه‌ای از مطالب روزنامه‌های ایران و بریتانیا درباره‌ی برنامه‌ی انرژی هسته‌ای ایران.» از بیوک بهنام و ربابه مشتاقی زنوس (بی‌تا) و ...

### ۵- چارچوب نظری رسانه‌ها

برای ادامه‌ی مسیر لازم است تا بر اساس چارچوب‌های نظری موجود پیش رفت. نظریه‌ها ارکان اساسی علوم را تشکیل می‌دهند؛ زیرا تمام تفسیرها و تحلیل‌های ما از پدیده‌های طبیعی و اجتماعی در قالب نظریه‌ها صورت می‌گیرد. بدون ذهن مسلح به نظریه، قادر به درک علمی از جهان پیرامون خود نیستیم؛ چراکه نظریه به داده‌ها و مشاهدات هر فرد نظم، ترتیب و میدان دید می‌دهد. بنابراین مروری بر تعدادی از مهم‌ترین نظریه‌هایی که به‌نوعی با موضوع و هدف تحقیق مطابقت دارد، می‌اندازیم.

درحقیقت «رسانه‌ها همیشه مشغول تأثیرگذاری بر یک پدیده یا تأکیدزدایی از آن هستند. امروزه تأثیرات این تأثیرگذاری و تأکیدزدایی بیش از هر زمان دیگری آشکار شده است. هارولد دتیز<sup>۱</sup>، از صفت جهت‌گیری<sup>۲</sup> استفاده کرده و می‌گوید که هر رسانه‌ای به خودی خود، جهت‌گیری دارد. همچنین نیل پستمن<sup>۳</sup> می‌گوید که رسانه‌ها کارشان این است که ساختارهای واقعی را در زمان انتقال، ارزش‌گذاری می‌کنند و با این کار پدیده‌ای را مهم‌تر و پدیده‌ی دیگری را نازل‌تر نشان می‌دهند.» (Shokrkhah, 2003, p.183)

به عقیده‌ی گیلبرت<sup>۴</sup> و مک کامبیز<sup>۵</sup>، رسانه‌ها با اهمیت‌دادن و برجسته‌کردن<sup>۶</sup> برخی اخبار و موضوعات، آنها را در دستور کار جامعه قرار می‌دهند و با وزن‌دادن به آنها، نیروهای جامعه را به آن مشغول می‌کنند. بنابراین با چنین روشی می‌توان موج‌های برنامه‌ریزی‌شده‌ای در جامعه ایجاد کرد و به این وسیله افکار عمومی را به این سو و آن سو کشاند.» (Bahrami, 2012, pp.22-23).

درواقع «میزان انتخاب خبرها بر اساس معیارهای ذهنی و قضاوت‌های شخصی و دستیابی به ارزش‌های خبری و بدان‌گونه که برنامه‌های خبری رسانه‌ها بر اساس آن عمل می‌کنند، ازجمله اهدافی است که معمولاً در مطالعه‌ی نظریه‌ی دروازه‌بانی خبر<sup>۷</sup> توسط محققان دنبال می‌شود.» (Mehrdad, 2010, p.35).

۱. Harold Dtyz

۲. Bias

۳. Neil Postman

۴. Gilbert

۵. Mac Kambiz

۶. signalize

۷. Goalkeeper's Theory

از طرفی حضور و گسترده‌گی رسانه‌ها و از جمله مطبوعات در جامعه موجب رسانه‌ای شدن همه‌ی ابعاد زندگی شده است تا آنجا که کارشناسان علوم ارتباطات معتقدند حتی تصویر ذهنی فرد از دنیای اطرافش، تصویر و باوری مطابق با میل رسانه‌هاست: «چون افراد به دلایل و انگیزه‌های متفاوت به یک رسانه یا یک محصول رسانه‌ای روی می‌آورند طبیعی است که حتی از یک پیام یا محتوای رسانه‌ای نتایج متفاوتی به دست آورند. از چنین دیدگاهی به عنوان نظریه‌ی کاشت<sup>۱</sup> یاد می‌شود که جرج گربرنر<sup>۲</sup> در دهه ۱۹۶۰ ارائه کرد. به عقیده‌ی او مخاطبان در دریافت پیام‌های رسانه‌ها به خصوص تلویزیون مانند زمین مستعدی هستند که می‌توان هرچه را خواست در آنها کاشت و پرورش داد. بنابراین، معنا توسط رسانه‌ها تولید می‌شود و مخاطبان با پذیرش چنین معنایی به همدیگر نزدیک‌تر می‌شوند.» (Broujerdi Alavi, 2001, p.25).

البته آن گونه که دنیس مک کوایل<sup>۳</sup> معتقد است: «هر رسانه گرایش دارد به اینکه در نقشه‌های ذهنی ما جایگاهی معین بیابد و مجموعه‌ای از تداعی‌ها و انتظارات در مورد فایده و کارکرد خود ایجاد کند» (Mc Quail, 2003, p.42).

یادآوری این نکته نیز ضروری است که: «رسانه‌ها نقش میانجی<sup>۴</sup> را میان واقعیت عینی اجتماعی و تجربه‌ی فردی ایفا می‌کنند. رسانه‌های جمعی از چند لحاظ میانجی هستند: یکی اینکه بیشتر میان ما (به عنوان دریافت کننده) و آن بخش از تجربه‌ی بالقوه‌ای که خارج از ادراک یا تماس مستقیم ماست قرار می‌گیرند. دوم ممکن است میان ما و سایر نهادهایی که با آنها سروکار داریم (قانون، صنعت، دولت و...) قرار گیرند. سوم امکان دارد پیوندی میان این نهادهای گوناگون ایجاد کنند، چهارم اینکه رسانه‌ها مجراهایی هستند که توسط آنها دیگران با ما و ما با دیگران تماس می‌گیریم و پنجم نیز، بیشتر این رسانه‌ها هستند که با فراهم آوردن اسباب و لوازم به ادراک ما از سایر گروه‌ها، سازمان‌ها و رویدادها شکل می‌دهند» (Mc Quail, 2003, pp.82-83). افزون بر این، رسانه‌ها معمولاً به مشارکت فعال در رویدادهای اجتماعی و گاه جهت‌دادن یا رهبری کردن آنها و همچنین کوشش در جهت یکپارچه‌سازی و انسجام جامعه متعهد هستند (Mc Quail, 2003, p.84).

۱. Cultivation Theory

۲. George Graebner

۳ Denis McQuail

۴ Mediation

از مجموع نظریه‌های مطرح شده که به نوعی یسانگر گوشه‌ای از موارد مورد نظر در پژوهش حاضر است، شاید بتوان گفت که نظریه‌های برجسته‌سازی<sup>۱</sup>، دروازه‌بانی خبر، سوزن تزریقی<sup>۲</sup>، کلیشه‌سازی<sup>۳</sup>، بازنمایی رسانه‌ای<sup>۴</sup> و انگاره‌سازی<sup>۵</sup> بیش از هر نظریه‌ی دیگری در راستای اهداف تحقیق قرار دارند؛ اما در این بخش فقط کمی به تشریح دو نظریه‌ی برجسته‌سازی و انگاره‌سازی می‌پردازیم که به‌عنوان نظریات اصلی و پایه در پژوهش حاضر ملاک قرار گرفته‌اند.

#### ۱-۵- نظریه‌ی برجسته‌سازی

برجسته‌سازی را معادل «Agenda setting» ترجمه کرده‌اند که به معنی اولویت‌گذاری بر برنامه‌ای خاص اطلاق می‌شود. این نظریه می‌گوید رسانه‌ها در انتقال پیام‌ها، نوعی اولویت یا برجسته‌سازی به وجود می‌آورند. این نظریه تأثیرات رسانه‌ها در حوزه‌ی «رفتار» را محدود می‌کند؛ اما با برجسته‌ساختن برخی از موضوعات می‌تواند بر «اطلاعات مردم» تأثیر بگذارد. به عبارت دیگر، رسانه‌ها نمی‌توانند تعیین کنند که مخاطبان «چطور ببینند» اما می‌توانند تعیین کنند که «درباره‌ی چه ببینند» (Amirpour & Bahramian, 2013, p.123).

درواقع برجسته‌سازی، فراگردی است که طی آن رسانه‌های جمعی اهمیت نسبی موضوعات مختلف را به مخاطب انتقال می‌دهند. هرچه رسانه‌ها اهمیت بیشتری به موضوع یا رویداد خاصی نشان دهند، مخاطبان اهمیت بیشتری برای آن قائل می‌شوند (Vindal et al., 1978, p.374).

فرایند برجسته‌سازی با بزرگ و کوچک‌نمایی رویدادها و درجه‌بندی موضوعات در رسانه‌ها سعی می‌کنند که رویداد را در ذهن مخاطب برجسته سازند که این امر در راستای القای دیدگاه رسانه به مخاطب نیز هست (Shokrkah, 2003, p.94).

#### ۲-۵- نظریه‌ی انگاره‌سازی

ارائه‌ی انگاره‌ای (تصویری) از شخصیت‌ها، مکان‌ها، اشیاء و رویدادها به مخاطب، «انگاره‌سازی خبری» نام دارد. در انگاره‌سازی، با بازتاب واقعیت سروکار داریم؛ واقعیت‌ها دست‌کاری شده و توأم با تفسیر پنهان ارائه می‌شوند. انگاره‌سازی «تکنیک» و کلید کارگشای معنی‌سازی در جهان خبر است

۱ Agenda-Setting Theory

۲ Theory Needles

۳ Stereotyping Theory

۴ Media Representation Theory

۵ Script Theory Of

(Shoar ghafari, 1995, p.25). انگاره‌سازی وابستگی زیادی به تجربیات عینی و ملموس ما از رویدادها، مکان‌ها، شخصیت‌ها و اشیاء دارد. هرچه این وابستگی کمتر باشد، انگاره‌سازی موفق‌تر عمل می‌کند؛ زیرا آگاهی ما از مسائل نامحسوس، از طریق رسانه‌ها شکل می‌گیرد (Alilu, 2004, p.33).

«جهان رسانه‌ای» با «جهان واقعی» تفاوت آشکار دارد؛ صاحبان صنایع خبری و عاملان خبرگزاری‌های بزرگ با به کارگیری فنون مهندسی خبر همچون گزینشگری، انگاره‌سازی و برجسته‌سازی تصویر، تفسیری از واقعیت ارائه می‌دهند که منافع اقتصادی و سیاسی خود را تأمین می‌کنند (Ardestani, 1999). کارگزاران خبری آگاهانه و با برنامه‌ریزی دست به تصویرسازی خبری یا انگاره‌سازی خبری می‌زنند. در این نظریه، اندیشمندان آن معتقدند: «در انگاره‌سازی آنچه مهم نیست انعکاس واقعیت و رویداد است. در اینجا هدف و ماهیت کار، استفاده از دستمایه‌ی واقعیت یک رویداد برای ارائه تفسیری پنهان در لفافه‌ی آن است» (Ardestani, 2008).

شیوه‌های انگاره‌سازی دخالت ارزش‌های حاکم بر سازمان‌های خبری، شایعه‌پراکنی، جعل و تحریف حقایق، کلی‌گویی، گواهی، حمله کردن و تخریب هدف، اسم‌گذاری یا برجسب‌زدن، تکرار و تأکید پیام و ماساژ پیام (انبوه فریب در بین نشر اطلاعات) می‌شود (Alilu, 2004, p.39). در حقیقت با توجه به بررسی نظریه‌های مختلف، تئوری‌هایی که در تحقیق حاضر مورد استفاده قرار گرفته، شامل دو نظریه‌ی «انگاره‌سازی» و «برجسته‌سازی» هستند. به این ترتیب که نظریه‌ی «برجسته‌سازی» بیشتر در روزنامه‌ی شرق به چشم می‌خورد؛ هرچند که روزنامه‌ی کیهان هم تا حدودی از آن در انعکاس اخبار خود بهره برده است. در مقابل شیوه‌ی انعکاس مطالب در روزنامه‌ی کیهان بر پایه‌ی تئوری «انگاره‌سازی» پیش رفته است.

جدول (۱): متغیرها و گزاره‌های نظریه‌های پایه

نظریه	متغیرها	گزاره‌ی اصلی
انگاره‌سازی	تصویر، بازتاب، تفسیر پنهان، معنی‌سازی، مخاطب	بازتاب واقعیت، واقعیت‌ها دست‌کاری شده و توأم با تفسیر پنهان، معنی‌سازی در جهان خبر، وابستگی زیاد به تجربیات عینی و ملموس افراد از اطراف، مهم‌نبودن انعکاس واقعیت و رویدادها
برجسته‌سازی	اولویت‌بندی، الفاکردن، مخاطب	اولویت‌گذاری در انتقال پیام، محدود کردن تاثیرات رسانه‌ها در حوزه‌ی رفتار، تعیین اینکه مخاطبان درباره‌ی چه چیزی بیندیشند، انتقال اهمیت نسبی موضوعات مختلف به مخاطب، القای دیدگاه رسانه به مخاطب

## ۶- یافته‌های تحقیق

۱- روزنامه‌ی شرق بیشتر از روزنامه‌ی کیهان به مسئله‌ی توافق هسته‌ای ژنو در اخبار و مطالب خود

پرداخته است.

جدول (۲): توزیع فراوانی روزنامه‌های مورد بررسی

نام روزنامه	فراوانی کل اخبار	درصد فراوانی	فراوانی اخبار و مطالب مربوط به پرونده‌ی هسته‌ای ایران	درصد فراوانی	درصد اخبار پرونده‌ی هسته‌ای ایران به کل اخبار
شرق	۴۴۹۵	۴۹/۲۰	۲۲۷	۴۲/۸	۵/۰۵
کیهان	۴۶۴۱	۵۰/۸۰	۳۰۳	۵۷/۲	۶/۵۲
جمع	۹۱۳۶	۱۰۰	۵۳۰	۱۰۰	۵/۸۰

جدول (۳): فراوانی مورد مشاهده و مورد انتظار مفاهیم مربوط به تیتراهای توافق هسته‌ای ژنو در

روزنامه‌های شرق و کیهان

تیتراها	فراوانی‌های مورد مشاهده		فراوانی‌های مورد انتظار	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
روزنامه‌ی شرق	۲۲۷	۰/۴۲/۸	۲۶۵	۵۰
روزنامه‌ی کیهان	۳۰۳	۰/۵۷/۲	۲۶۵	۵۰
مجموع تیتراها	۵۳۰	۱۰۰	۵۳۰	۱۰۰
چگونگی محاسبه‌ی درصدهای هر ستون	= 530		= 530	

جدول (۴): آزمون کای اسکور برای آزمون معنی‌داری تفاوت تیتراهای مربوط به توافق هسته‌ای در

روزنامه‌های کیهان و شرق

مقدار کای ۲	۱۰/۹
درجه‌ی آزادی	۱
سطح معنی‌داری Sig.	۰/۰۰۱

تفسیر: از آنجایی که مجذور کای به دست آمده (۱۰/۹) از مقدار کای بحرانی جدول (۲۰-۴) با درجه‌ی آزادی ۱، در سطح ۰/۰۱ بیشتر است، بنابراین تفاوت‌های مشاهده شده در سطح ۰/۰۱ معنادار است. به عبارت دیگر چون سطح معنی‌داری (P = 001) آزمون در SPSS کوچک‌تر از ۰/۰۵ است.

بنابراین فرض یک تأیید می‌شود و در آن تفاوت معنی‌داری وجود دارد. همچنین با توجه به مقادیر مشاهده شده، حجم مطالب مربوط به توافق هسته‌ای در روزنامه کیهان بیشتر از روزنامه شرق است. پس فرض صفر  $H_0: P_1 = P_2$  رد می‌شود.

و فرض یک یا فرض تحقیق  $H_1: P_1 \neq P_2$  تأیید می‌شود.

۲- روزنامه‌ی شرق در ارائه‌ی مطالب خود بیشتر از قالب گزارش خبری و روزنامه‌ی کیهان نیز بیشتر از قالب تفسیر استفاده کرده است.

جدول (۵): سبک مطلب روزنامه‌های شرق و کیهان

روزنامه‌ی کیهان		روزنامه‌ی شرق		سبک مطلب
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۵۷/۸	۱۷۵	۳۷/۴	۸۵	خبر
۲۴/۴	۷۴	۲۴/۲	۵۵	گزارش خبری
۸/۹	۲۷	۵/۷	۱۳	تفسیر
۲	۶	۴/۴	۱۰	گفت‌وگو
۰/۳	۱	۲/۲	۵	سرمقاله
۶/۶	۲۰	۲۱/۶	۴۹	یادداشت
۰	۰	۴/۴	۱۰	ترجمه
۱۰۰	۳۰۳	۱۰۰	۲۲۷	جمع

جدول (۶): آزمون کای اسکور برای آزمون معنی‌داری تفاوت سبک نوشتاری در انعکاس مطالب مربوط به توافق هسته‌ای ژنو در روزنامه‌های شرق و کیهان

۵۴/۹۴	مقدار کای ۲
۶	درجه‌ی آزادی
۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری Sig.

تفسیر: از آنجایی که مجذور کای به دست آمده (۵۴/۹۴) از مقدار کای بحرانی جدول (۲۲-۴) با درجه‌ی آزادی ۶، در سطح ۰/۰۱ بزرگ‌تر است، بنابراین تفاوت‌های مشاهده‌شده در سطح ۰/۰۱ معنادار است. به عبارتی دیگر چون سطح معنی‌داری ( $P = 000$ ) آزمون در SPSS کوچک‌تر از ۰/۰۵ است. بنابراین فرض یک تأیید می‌شود و در آن تفاوت معنی‌داری وجود دارد. یعنی سبک نوشتاری (خبر،



گزارش خبری، تفسیر، گفت و گو، یادداشت، سرمقاله و ترجمه) در انعکاس مطالب مربوط به توافق هسته‌ای ژنو در روزنامه‌های شرق و کیهان یکسان نیست.

پس فرض صفر  $H_0: P_1 = P_2$  رد می‌شود.

و فرض یک یا فرض تحقیق  $H_1: P_1 \neq P_2$  تأیید می‌شود.

۳- روزنامه‌ی شرق در ارائه‌ی مطالب خود بیشتر به بُعد سیاسی و روزنامه‌ی کیهان نیز به بُعد نظامی

پرداخته است.

جدول (۷): ابعاد مطالب روزنامه‌های شرق و کیهان<sup>۱</sup>

ابعاد مطلب	شرق		کیهان	
	تیترا	جمله	تیترا	جمله
سیاسی	۱۲۹	۵۷	۵۳۹	۴۷
اقتصادی	۷۳	۳۲	۴۴۱	۳۹
حقوقی	۱۴	۶	۹۵	۸
نظامی	۱۱	۵	۷۲	۶
جمع	۲۲۷	۱۰۰	۱۱۴۷	۱۰۰

جدول (۸): آزمون کای اسکور برای آزمون معنی‌داری تفاوت ابعاد مطالب مرتبط با

توافق هسته‌ای ژنو در روزنامه‌های شرق و کیهان

مقدار کای ۲	۴/۸۵
درجه‌ی آزادی	۳
سطح معنی‌داری Sig.	۰/۱۸۳

تفسیر: از آنجایی که مجذور کای به دست آمده (۴/۸۵) از مقدار کای بحرانی جدول (۲۴-۴) با درجه‌ی آزادی ۳، در سطح ۰/۰۵ کمتر است، بنابراین تفاوت‌های مشاهده شده در سطح ۰/۰۵ معنادار نیست. به عبارتی دیگر چون سطح معنی‌داری (P = 183) آزمون در SPSS بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است. بنابراین

۱. داده‌های مربوطه از روی جملات متن مربوط به تیترا تنظیم شده است. یعنی داده‌ها حاصل جملات هستند و تیتراها براساس محتوای جملات طبقه‌بندی شده‌اند.

فرض صفر تأیید می‌شود و در آن تفاوت معنی‌داری نیست. یعنی مطالب مربوط به ابعاد (سیاسی، اقتصادی، حقوقی و نظامی) توافق هسته‌ای ژنو در روزنامه‌های شرق و کیهان یکسان است. پس فرض صفر  $H_0: P_1 = P_2$  تأیید می‌شود. و فرض یک یا فرض تحقیق  $H_1: P_1 \neq P_2$  رد می‌شود.

۴- روزنامه‌های شرق بیشتر از روزنامه کیهان تیر یک خود را به اخبار مربوط به مسئله‌ی هسته‌ای اختصاص داده است.

جدول (۹): نوع نمایش تیرهای صفحه‌ی یک روزنامه‌های شرق و کیهان

روزنامه‌ی کیهان		روزنامه‌ی شرق		تیر
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۲۲/۹	۱۶	۱۹/۷	۱۴	تیر یک
۱/۴	۱	۸/۵	۶	تیر عکس
۱۰	۷	۲/۸	۲	تیر یک و تیر عکس مشترک
۶۵/۷	۴۶	۶۹	۴۹	سایر تیرهای صفحه‌ی نخست
۱۰۰	۷۰	۱۰۰	۷۱	مجموع تیرها در صفحه‌ی نخست

جدول (۱۰): آزمون کای اسکور برای آزمون معنی‌داری تفاوت تیرهای یک مربوط به

توافق هسته‌ای در روزنامه‌های کیهان و شرق

۶/۵۷	مقدار کای ۲
۳	درجه‌ی آزادی
۰/۰۸۷	سطح معنی‌داری Sig.

تفسیر: از آنجایی که مجدور کای به دست آمده (۶/۵۷) از مقدار کای بحرانی جدول (۲۵-۴) با درجه‌ی آزادی ۳، در سطح ۰/۰۵ کمتر است، بنابراین تفاوت‌های مشاهده شده در سطح ۰/۰۵ معنادار نیست. به عبارتی دیگر چون سطح معنی‌داری (P=087) آزمون در SPSS بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است. بنابراین فرض صفر تأیید می‌شود و در آن تفاوت معنی‌داری نیست. یعنی مطالب مربوط به تیر یک در روزنامه شرق و کیهان یکسان است.

پس فرض صفر  $H_0: P_1 = P_2$  تأیید می‌شود. و فرض یک یا فرض تحقیق  $H_1: P_1 \neq P_2$  رد می‌شود.

جدول (۱۱): نوع نمایش تیتراژ در سایر صفحات روزنامه‌های شرق و کیهان

روزنامه‌ی کیهان		روزنامه‌ی شرق		تیتراژ
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۲۳/۱	۷۰	۳۱/۳	۷۱	مجموع تیتراژها در صفحه‌ی نخست
۷۶/۹	۲۳۳	۶۸/۷	۱۵۶	تیتراژ در سایر صفحات
۳۰۳		۲۲۷		مجموع کل تیتراژها

جدول (۱۲): آزمون کای اسکوئر برای آزمون معنی‌داری تفاوت تیتراژها در صفحه‌ی یک مربوط به توافق هسته‌ای در روزنامه‌های کیهان و شرق

۴/۴۴	مقدار کای ۲
۱	درجه‌ی آزادی
۰/۰۳۵	سطح معنی‌داری Sig.

تفسیر: از آنجایی که مجذور کای به دست آمده (۴/۴۴) از مقدار کای بحرانی جدول (۲۷-۴) با درجه‌ی آزادی ۱، در سطح ۰/۰۵ بیشتر است. بنابراین تفاوت‌های مشاهده شده در سطح ۰/۰۵ معنادار است. به عبارتی دیگر چون سطح معنی‌داری (P=035) آزمون در SPSS کوچک‌تر از ۰/۰۵ است. بنابراین فرض یک تأیید می‌شود و در آن تفاوت معنی‌داری وجود دارد. یعنی مطالب مربوط به تیتراژها در صفحه‌ی یک در روزنامه‌ی شرق و کیهان یکسان نیست.

پس فرض صفر  $H_0: P_1 = P_2$  رد می‌شود.

و فرض یک یا فرض تحقیق  $H_1: P_1 \neq P_2$  تأیید می‌شود.

۵- روزنامه‌ی شرق بیشتر از مطالبی با لحن و رویکرد موافق و واقع‌گرایانه و روزنامه‌ی کیهان از مطالبی ایدئولوژیکی و انتقادی استفاده کرده است.

جدول (۱۳): لحن مطالب روزنامه‌های شرق و کیهان

کیهان		شرق		لحن مطلب
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۲۷/۱	۸۲	۱۳/۲	۳۰	انتقادی
۱۸/۸	۵۷	۱۱	۲۵	افشاگرانه
۲۳/۱	۷۰	۳۳/۹	۷۷	واقع‌گرایانه
۶/۲	۱۹	۲/۲	۵	توجیه‌گرایانه
۲۴/۱	۷۳	۵/۷	۱۳	ایدئولوژیک
۰/۷	۲	۱۱	۲۵	موافق
۰	۰	۲۲	۵۲	خثی
۱۰۰	۳۰۳	۱۰۰	۲۲۷	جمع

جدول (۱۴): آزمون کای اسکور برای آزمون معنی‌داری تفاوت لحن مطالب مربوط به توافق هسته‌ای ژنو در روزنامه‌های کیهان و شرق

۱۵۰/۷۸	مقدار کای ۲
۶	درجه‌ی آزادی
۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری Sig.

تفسیر: از آنجایی که مجذور کای به دست آمده (۱۵۰/۷۸) از مقدار کای بحرانی جدول (۲۹-۴) با درجه‌ی آزادی ۶، در سطح ۰/۰۱ بیشتر است. بنابراین تفاوت‌های مشاهده شده در سطح ۰/۰۱ معنادار است. به عبارتی دیگر چون سطح معنی‌داری (P = 000) آزمون در SPSS کوچک‌تر از ۰/۰۵ است. بنابراین فرض یک تأیید می‌شود و در آن تفاوت معنی‌داری وجود دارد. یعنی مطالب مربوط به لحن مطالب (توجیه‌گرانه، ایدئولوژیک، واقع‌گرایانه، انتقادی و موافق) مربوط توافق هسته‌ای ژنو در روزنامه‌های کیهان و شرق یکسان نیست.

پس فرض صفر  $H_0: P_1 = P_2$  رد می‌شود.

و فرض یک یا فرض تحقیق  $H_1: P_1 \neq P_2$  تأیید می‌شود.

### نتیجه‌گیری

اینکه مطبوعات سراسری کشور، اخبار و مطالب مربوط به پرونده‌ی هسته‌ای ایران و توافق ژنو را چگونه منعکس کرده‌اند، موضوعی است که این تحقیق از راه تجزیه و تحلیل ۵۳۰ مطلب در روزنامه‌های

شرق و کیهان به عنوان دو روزنامه‌ی سراسری، پرتیراژ و از دو طیف سیاسی مخالف در بازه زمانی شهریور تا اسفند ۱۳۹۲ به آن پرداخته است. برای این کار اخبار و مطالب مربوط به پرونده‌ی هسته‌ای ایران و توافق ژنو با توجه به محتوا، ابعاد، لحن و سبک مطلب و دارا بودن تیترو تصویر در صفحه نخست، مهم‌ترین متغیرهایی بوده‌اند که مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. تجزیه و تحلیل ۵۳۰ مطلب در روزنامه‌های شرق و کیهان (مجموع این دو روزنامه، ۸۴ شماره) نشان می‌دهد که بیشترین تعداد مطالب مربوط به پرونده‌ی هسته‌ای ایران و توافق ژنو در روزنامه‌ی کیهان منتشر شده که این امر نشان‌دهنده‌ی توجه این روزنامه در این بازه تاریخی به مسئله‌ی مورد بررسی است. بنابراین فرضیه‌ی اول تحقیق تأیید شده است و تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین اخبار با محتوای بعد سیاسی در صدر مطالب منتشر شده درباره‌ی توافق هسته‌ای ژنو قرار دارد.

از سوی دیگر روزنامه‌های شرق و کیهان برای پرداختن به موضوع مورد بررسی از میان سبک‌های مختلف خبر، گزارش خبری، تفسیر، گفتگو (مصاحبه)، سرمقاله، یادداشت و ترجمه، برای بیان مطالب، بیشتر از سبک خبر استفاده کرده‌اند. این بین روزنامه شرق با ۳۷/۴ درصد بیشترین حجم مطالب را در سبک خبر و با ۴/۴ درصد کمترین موارد را به طور مشترک در سبک ترجمه و گفت‌وگو دارد در حالی که روزنامه کیهان با ۵۷/۸ درصد بیشترین حجم مطلب را در سبک خبر و کمترین را با صفر مورد در سبک ترجمه دارد. از آنجایی که مسئله‌ی توافق هسته‌ای ژنو از مهم‌ترین مسائل روز دنیا به شمار می‌رود، روزنامه‌ی شرق ۲/۲ درصد مطالب خود و روزنامه‌ی کیهان نیز ۰/۳ درصد مطالب خود را به سبک سرمقاله اختصاص داده‌اند که به نظر می‌رسد حجم کمی را در بر گرفته است. خلاصه اینکه فرضیه‌ی شماره‌ی دو، مورد تأیید است و تفاوت معناداری وجود دارد. این بررسی نشان می‌دهد روزنامه‌ی شرق از ۷۱ تیترو که با موضوع توافق هسته‌ای ژنو منتشر کرده است، ۱۴ مطلب با ۱۹/۷ درصد، تیترو یک شده‌اند در حالی که روزنامه‌ی کیهان از ۷۰ مطلب خود در این زمینه، ۱۶ مورد یعنی ۲۲/۹ درصد را به تیترو یک اختصاص داده است. بنابراین فرضیه‌ی چهارم رد می‌شود و تفاوت معنی‌داری وجود ندارد یعنی مطالب مربوط به تیترو یک در روزنامه‌ی شرق و کیهان یکسان است و هر دو به یک اندازه به این مسئله اهمیت داده‌اند.

علاوه بر این روزنامه شرق با ۱۸۵ مطلب که ۸۵ درصد از ۲۱۶ مطلب منتشر شده در حوزه‌ی توافق هسته‌ای ژنو را به خود اختصاص داده، ارزیابی مثبت و خوش‌بینانه‌ای از روند مذاکرات داشته است در حالی که روزنامه‌ی کیهان از مجموع ۱۹۹ مطلب در این حوزه، ۹۸ مورد با ۴۹ درصد مطالب خود را به ارزیابی منفی و بدبینانه از روند مذاکرات اختصاص داده است. در بخش جهت‌گیری‌ها به انجام

مذاکرات، روزنامه‌ی شرق از مجموع ۹۹ مطلب خود در این حوزه ۶۸ مورد با ۶۹ درصد جهت‌گیری مثبتی نسبت به انجام مذاکرات داشته و در مقابل روزنامه‌ی کیهان از مجموع ۸۲ مطلب خود ۶۰ مورد با ۷۳ درصد رویکردی مثبت به انجام مذاکرات داشته است. همچنین روزنامه شرق از مجموع ۷۱ مطلب خود در بخش نحوه‌ی حضور ایران در مذاکرات، ۶۷ مورد با ۹۵ درصد حضور ایران را از موضع قدرت دانسته، در حالی که روزنامه‌ی کیهان از مجموع ۱۳۰ مطلب خود ۱۰۱ مورد با ۷۸ درصد حضور قدرتمند ایران در مذاکرات را بیان کرده است. البته روزنامه‌ی کیهان ۲۹ مورد با ۲۲ درصد مطالب خود را به ارزیابی ضعیف از حضور ایران در مذاکرات اختصاص داده که در این مورد روزنامه‌ی شرق تنها ۴ مورد با ۵ درصد مطالبش تخصیص یافته است.

نکته‌ی دیگر مربوط به ادعاها درباره‌ی نوع فعالیت هسته‌ای ایران است که روزنامه‌ی شرق از مجموع ۸۹ مطلب خود در این زمینه، ۵۰ مورد با ۵۶ درصد را به بیان صلح‌آمیز بودن برنامه‌ی هسته‌ای ایران اختصاص داده؛ در حالی که روزنامه‌ی کیهان از مجموع ۷۲ مطلب خود، ۵۳ مورد با ۴۱ درصد را به بیان غیر صلح‌آمیز و نظامی بودن برنامه‌ی هسته‌ای ایران اختصاص داده است. همچنین در حوزه‌ی اقتصادی، روزنامه‌ی شرق از ۲۶۲ مطلب خود در این بخش با ۷۶ مورد که ۲۹ درصد مطالب را شامل می‌شود، به‌طور مشترک مسئله‌ی لغو و کاهش تحریم‌ها و تأثیرگذار بودن تحریم‌ها در ایران را بیان کرده؛ در حالی که روزنامه‌ی کیهان از مجموع ۴۴۱ مطلب خود، ۱۵۲ مورد با ۳۵ درصد را به بیان مسئله‌ی افزایش و اعمال تحریم‌ها و ۵۸ مورد با ۱۳ درصد را به تأثیرگذار بودن تحریم‌ها اختصاص داده است. در حوزه‌ی حقوقی روزنامه‌ی شرق از مجموع ۵۰ مطلب خود، در ۳۱ مورد با ۶۲ درصد به به رسمیت شناختن حق ایران برای غنی‌سازی و تولید انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز پرداخته در حالی که روزنامه‌ی کیهان از ۹۵ مطلب خود، در ۵۰ مورد با ۵۳ درصد به به رسمیت نشناختن حق ایران برای غنی‌سازی تولید انرژی صلح‌آمیز پرداخته است. در حوزه‌ی نظامی نیز روزنامه‌ی شرق از مجموع ۳۹ مطلب خود، ۳۰ مورد با ۷۷ درصد را به بیان مطالبی با تأکید بر انتخاب راه‌حل دیپلماتیک اختصاص داده؛ در حالی که روزنامه‌ی کیهان از مجموع ۷۲ مطلب خود، ۴۸ مورد با ۶۶ درصد را به بیان مطالبی با تأکید بر حمله‌ی نظامی اختصاص داده است. با این وجود، فرضیه‌ی شماره‌ی سه نیز رد می‌شود و تفاوت معناداری وجود ندارد؛ یعنی مطالب مربوط به ابعاد توافق هسته‌ای ژنو در روزنامه‌های شرق و کیهان یکسان است.

در نهایت در بخش ارزیابی لحن مطلب، روزنامه‌ی شرق از مجموع ۱۷۵ مطلب خود در ۷۷ مورد با ۳۳٫۹ درصد با لحنی واقع‌گرایانه و در رده‌ی بعدی با ۲۵ مورد و ۱۱ درصد با لحنی موافق نسبت به روند

رویدادها در توافق ژنو به بیان مطالب پرداخته؛ درحالی که روزنامه‌ی کیهان از مجموع ۳۰۳ مطلب خود در ۸۲ مورد با ۲۷٫۱ درصد با لحنی انتقادی و در رده‌ی بعدی با ۷۳ مورد و ۲۴٫۱ درصد با لحنی ایدئولوژیک، مطالب را منعکس کرده است. خلاصه اینکه بر اساس آزمون انجام شده، فرضیه‌ی شماره‌ی پنج نیز تأیید می‌شود و تفاوت معناداری وجود دارد و مطالب مربوط به لحن مطالب مربوط به توافق هسته‌ای ژنو در روزنامه‌های کیهان و شرق یکسان نیست. پیش از هرچیزی یادآوری این نکته ضروری است که دلیل متفاوت بودن فراوانی‌های دو روزنامه‌ی موردبررسی در حوزه‌های مختلف ارائه‌ی اطلاعات، به این امر باز می‌گردد که در مواردی، به‌ویژه در روزهای پایانی که مذاکرات در مرحله‌ی بی‌خبری قرار داشت، روزنامه کیهان به بازنشر خبرهای روزهای گذشته خود با بیانی دیگر پرداخته بود، درحالی که روزنامه‌ی شرق تقریباً موردی را منعکس نکرده است.

مجموع بررسی‌ها حکایت از این دارد که روزنامه‌ی شرق با دیدی واقع‌گرایانه و مثبت‌تر به انعکاس مطالب پرداخته و در این مسیر سعی کرده است تا با بهره‌گیری از نظرات کارشناسان و فعالان سیاسی داخلی و خارجی و با تکیه بر آرام کردن جوّ جامعه و موضع‌گیری موافق به انجام مذاکره و توافق نهایی ایران با قدرت‌های شش‌گانه‌ی مقابل، به بررسی مستندانه‌تری از روند رویدادها بپردازد. این رسانه آیت‌های فشارهای اقتصادی و سیاسی که به‌واسطه‌ی تحریم‌ها بر ایران وارد شده است را با بیان نمونه‌هایی، یکی از محرک‌های اصلی می‌داند که ایران را ملزم به انجام مذاکره و توافق می‌کند؛ هرچند که معتقد است برای رسیدن به توافق نباید از اصول و خط‌قرمزهای حقوق هسته‌ای کوتاه آمد. البته این رسانه این نوید را هم از قول مسئولان بالادستی نظام و قدرت‌های مقابل می‌دهد که در صورت انجام توافق، تحریم‌ها کاهش و به‌مرور لغو خواهند شد و به تلاش‌های اوپاما و برخی سران غربی برای مخالفت با تصویب تحریم‌های شدیدتر اشاره می‌کند.

ازطرفی در مسئله‌ی نظامی هم هرچند به این گفته‌ی اوپاما تأکید می‌کند که همه‌ی گزینه‌ها روی میز است؛ اما این نکته را هم از صحبت همان شخص و دیگر سران غربی یادآور می‌شود که ترجیح گروه ۵+۱ بر پیش‌برد جریان به‌صورت دیپلماتیک است. خلاصه اینکه شرق حرفش بر این پایه استوار است که می‌توان تنش‌زدایی کرد و روابطی دوستانه و بدون چالش را با دنیای بیرون داشت. در مقابل روزنامه‌ی کیهان رویکردی انتقادی و مخالف نسبت به روند رویدادهای هسته‌ای ایران و توافقات موردی انجام‌شده دارد و با نگاهی بدبینانه و ایدئولوژیک مسائل را ارزیابی کرده و جبهه‌گیری می‌کند. این رسانه سعی کرده است با پررنگ کردن مسئله‌ی تهدید نظامی علیه ایران و تمرکز بر کاهش نیافتن تحریم‌ها و تشدید

آنها - با این استدلال که حین انجام مذاکرات این مسئله اتفاق افتاده است - نوعی بدبینی و هراس را در جامعه و مخاطب ایجاد کند. در عین حال کیهان به شدت سعی در القای این باور دارد که تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی کمترین تأثیر را در ایران داشته و در واقع بی تأثیر بوده‌اند. ضمن اینکه مدام این پیام را مخابره می‌کند که فعالیت هسته‌ای ایران تنها بهانه‌ای برای آمریکا و دیگر قدرت‌هاست و آنها به دنبال براندازی و تغییر نظام هستند و مشکل اصلی شان اسلامی بودن حکومت ایران است. خلاصه اینکه کیهان حرفش بر این پایه استوار است که آمریکا شیطان بزرگ است و دوستی و ایجاد رابطه با آن غیر ممکن و از خطر مزهای حکومت اسلامی است، ضمن اینکه ایران نیز هیچ نیازی به برقراری رابطه و تنش‌زدایی با این قدرت جهانی را ندارد؛ بنابراین هرگونه توافقی با آنها بی‌معنی است، چراکه غیرقابل اعتماد و عهدشکن هستند.

### References

- Amirpour, M., & Bahramian, Sh. (2013). 1<sup>st</sup> edition, *the general principles of mass communication theories*. Tehran, Jameshenasan (in Persian).
- Bahrami komeil, N. (2012). *Media theory, sociology of communication*. Tehran. Kavir Publisher (in Persian).
- Badie, N. (2007). *Modern Journalist Tehran*. Alame Tabatabaei University (in Persian).
- Tavakolpour, M. (2009). *Judicial review of Iran's nuclear issue*. Tehran. Islamic Revolution Documents Center (in Persian).
- Hejazi, S. H., & Zarei, M. (1999). *National Nuclear Movement in Iran*. a research in Dr Mahmood Ahmadinejad thoughts .the president of iran. Tehran University Publication Center (in Persian).
- Shokrkah, Y. (1995). *News*. Tehran. Center studies and media studies. 1st Edition (in Persian).
- Alilou, M. (2004) *Propaganda*. Tehran. Ghoghnoos (in Persian).
- Gharib abadi. K. (2007). *Iran's nuclear file to the Documents*. Tehran. Ministry of Foreign Affairs (in Persian).
- Ghasemi, M. (1999). *50 years of Iranian nuclear case* (in Persian).
- Mc Quail, D. (2003). *Introduction to Mass Communication Theory*. Ejlali.P.Tehran. Center for Media Studies & Research (in Persian).
- Mehrdad, H. (2001). *Introduction to mass communication theories and concepts*. Tehran, Farran (in Persian).
- Vindal, S. (1997). *The application of communication theories*. Dehghan.A .Tehran Media Research Center (in Persian).
- Broujerdi Alavi, M. (2001). *What's the goal Keeper news and who are the goal keeper?* Professional Journalist, Researchers. Tehran. Center for Media Studies & Research (in Persian).
- Shokrkah, Y. (2003) *Psychological warfare: the extreme ideas, Research and Evaluation*, 10(34). (in Persian).
- Shoar ghafari, P. (1995). *Epistemology of News*. *Media*, 6(3), (in Persian).
- Ardestani, S. (1999). *Critical theories in the news* (in Persian).  
<http://sabilan.blogfa.com/post-43.aspx>



How was the Isfahan nuclear facility? (2005) (in Persian).

<http://www.shana.ir/fa/newsagency/print/59916>

History of Iranian Nuclear Energy. (1997) (in Persian).

<http://sead123.tebyan.net/post/75>

Rouhani, H. (2013). Developments in the nuclear case (in Persian).

<https://rasekhoon.net/article/show/754020/%D8%B3%DB%8C%D8%B1%20%D8%AA%D8%AD%D9%88%D9%84%D8%A7%D8%AA%20%D9%BE%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%AF%D9%87%20%D9%87%D8%B3%D8%AA%D9%87%20%D8%A7%DB%8C/>

The destiny of Iran ° America letters (in Persian).

<http://iscanews.ir/print/140907/%D8%B3%D8%B1%D9%86%D9%88%D8%B4%D8%AA-%D8%B3%D8%B1%DB%8C%D8%A7%D9%84-%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D8%A2%D9%85%D8%B1%DB%8C%DA%A9%D8%A7%DB%8C%DB%8C-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86%DB%8C>

Azimi, Sh. (2007) History and frameworks Iran's nuclear activities (in Persian).

[http://www.aftabir.com/articles/view/politics/iran/c1c1201860081\\_atomic\\_energy\\_iran\\_p1.php/%D8%AA%D8%A7%D8%B1%DB%8C%D8%AE%DA%86%D9%87-%D9%88-%DA%86%D8%A7%D8%B1%DA%86%D9%88%D8%A8%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%81%D8%B9%D8%A7%D9%84%DB%8C%D8%AA-%D9%87%D8%B3%D8%AA%D9%87-%D8%A7%DB%8C-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86](http://www.aftabir.com/articles/view/politics/iran/c1c1201860081_atomic_energy_iran_p1.php/%D8%AA%D8%A7%D8%B1%DB%8C%D8%AE%DA%86%D9%87-%D9%88-%DA%86%D8%A7%D8%B1%DA%86%D9%88%D8%A8%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%81%D8%B9%D8%A7%D9%84%DB%8C%D8%AA-%D9%87%D8%B3%D8%AA%D9%87-%D8%A7%DB%8C-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86)

